

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نازنین ارمنیان - Nazanin Armanian

برگردان از: حمید محوی

۱۴ اکتوبر ۲۰۱۳

چه کسانی مسؤول غریق های «لامپدوزا» هستند؟



اگر به دلیل تعداد پناهندگان غرق شده در سواحل ایتالیا نمی بود که از حد «معمول» فراتر رفته است (نرمالیته بین ۶۰ تا ۷۰ نفر است)، تراژدی مسافران می توانست جلب توجه نکند - در حالی که در حادثه ۳ اکتوبر ۲۰۱۳ در سواحل لامپدوزا از ۵۰۰ مسافر دریائی تنها ۱۵۵ نفر نجات یافتند. دو سال پیش از این ۶۱ پناهنده به انضمام تعدادی کودک در همین مکان غرق شدند، در حالی که کمبود مواد غذائی داشتند و سوخت کربوران کشتی آنها نیز به اتمام رسیده بود، ولی ناو هواپیمابر ناتو که در آنجا حضور داشت هیچ واکنشی نشان نداد. آمارگیری سال ۲۰۱۲ حدود ۲۳۰ میلیون مهاجر را نشان می دهد. هیچ نظارت هوائی و نه حتی با به توپ بستن کشتی ها به شکلی که اومبرتو بوسی از جناح راست افراطی ایتالیا پیشنهاد کرده بود، نمی تواند این توده های میلیونی را که از کشور هایشان می گریزند، جلو گیری کند.

از افریقا طلا، کولتان، هیدروکربور و مواد معدنی دیگر را استخراج کرده و می برند، و در ازای آن هواپیماهای باربری محموله های اسلحه و مبلغ پیاده می کنند تا عموم مردم را به صبر و شکیبایی و امید به زندگی بهتر در «جهان دیگر» دعوت کنند.



بدون نام، بدون داستان عاشقانه، بدون ترانه ای برای ابدی سازی سفرهائی که به مرگ می انجامد، هیچ کس از زندگی این مردان و زنان شجاعی که نه تنها برای تحقق آرزوهای شخصی خودشان بلکه برای خانواده هایشان، - و از این گذر برای تاریخ تمدن بشری - زندگی خودشان را به خطر می اندازند، فلم نمی سازد.

«انسان زدائی از غیر» یکی از ستراتژی های سیاسی است که رفتاری را که بر او سزوار دانسته اند پوشش قانونی می بخشد. به همان شکلی که ده ها هزار انسان را در بمباران عراق، افغانستان یا در پاکستان به قتل رساندند. تا وقتی که آنها بدون نام باقی مانده اند، تلویزیون تصاویر ازدواج یا همسر باردار این و یا آن سرباز اشغالگر را نشان می دهد که به دست یکی از «بومیان بربر و بی رحم» کشته شده است.

این اجساد یک بار دیگر قابلیت ما را در شرمساری برای انتخاب افرادی به آزمون می گذارد که قوانین غیر طبیعی مانند منع کمک رسانی به افرادی که در خطر جانی قرار دارند را برقرار ساخته اند. با این وجود ماهیگیران ایتالیائی از غریزه طبیعی شان تبعیت کردند و ده ها نفر از این انسان های ناامید را نجات دادند و با چنین عملی دست رد به سینه هیولاهائی زدند که خود ما برای اداره امور انتخاب کرده ایم و هم اکنون در کاخ ها به سر می برند.

زندگینامه های نا شناخته

بین زندگینامه های هزاران نفر از قهرمانان المپیک بدون مدال که از بلندترین حصارها با دستهای خون آلود می گذرند و از دریاهاى رام نشدنی عبور می کنند تا از جنگ و فشارهای سیاسی، قومی و مذهبی و از دولت هایشان و به همین گونه از اعمال شقاوت آمیز قدرت های بزرگ برای چپاول منابع طبیعی شان بگریزند، نمونه های زیر را می توانیم یادآور شویم :

- فاطمه زن ۲۶ ساله سومالیائی با پسر پنج ساله اش احمد پا در راه سفر می گذارد. کشور او روی دریاچه ای از نفت دست نخورده واقع شده، و غرب دولت سومالی را به عنوان «دولت بی اعتبار» معرفی می کند، یعنی نام کد

«کشورهای دارنده منابع طبیعی و راه های حمل و نقل این منابع». در سوماتی مردم روی ذخائر عظیم اورانیوم، طلا، نفت، گاز، بوکسیت و مس از گرسنگی جان می دهند.

ماجرای کثیف و ساختگی دزدان دریائی پاکومانتا در سال ۲۰۰۹ به هدف نظامی سازی شاخ افریقا و خلیج عدن راه اندازی شده بود، یعنی به هدف کنترل نظامی یکی از ستراتژیک ترین معابر جهانی در تقاطع خلیج فارس، دریای سرخ و آبراه سوئز بود یعنی راهی که ۳۰ درصد نفت جهان از آنجا عبور می کند. سپس دیدیم که ماهی ها و میوه های دریائی به عنوان تنها منبع مواد غذایی برای بومیان منطقه روی میز مشتریان هتل های اسپانیائی و فرانسوی قرار گرفت، و طی همین ماجرا بود که آشکار شد که دزدان دریائی واقعی با دستکش های سفید هزاران کیلو آشغال سمی در آب های آنها ریخته بودند.

- احمد کودک ده ساله با چشمان درشت، قربانی دیگری است که مثل میلیون ها کودک سوماتیائی یتیم است. او نمی خواست مثل دیگران به کودک ولگرد خیابان ها تبدیل شود، او نمی خواست به کار مدام و طولانی به ازای یک وعده غذا در روز با سوء استفاده جنسی به عنوان دسر تن در دهد، یا به عنوان کودک-سرباز یا برده در بازار آزاد سرمایه داری جهانی شده در انواع و اقسام شرکت ها به خدمت گرفته شود. او وقتی سوار کشتی شده بود، در این تصور بود که از چنین سرنوشتی رهائی یافته است، ولی اکنون در اعماق آبهای دریا به سر می برد.

اتیوپی و لیبیا

- آبی، زنی از کشور قهوه، اتیوپی به کمک فعالان دیگر موفق شد که قطع عضو بخشی از آلت جنسی زنان را که به شکل سنتی رایج بود، غیر قانونی سازد. یک پیروزی تمام عیار. برای این مبارز، بین مبارزات ناممکنی که دست یافتن بدان مشکلتر بود، پیروزی علیه نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سرمایه داری بود که از دیدگاه ساختاری خشونت پدسالارانه را مجاز می دانست. از فرط بار سنگینی که روی دوشش حمل می کرد، دیگر برایش قابل تحمل نبود. سرانجام به اتفاق خواهر زاده اش حکیمه، دختری ۷ ساله، یکی از همان چهار میلیون کودک یتیم اتیوپیائی راه سفر برگزید. آرزوی آبی نجات این دختر بود که مثل هزاران نفر از هم سن و سال های خود در خطر بی غذایی و مرگ به سر می کرد. کشوری که روزی روزگاری در سال ۱۹۷۴ پس از فروپاشی دیکتاتوری زومبی هایله سلاسی، حاکم مردمی که عملاً در حال مرگ و بیمار و بی سواد بودند، حکومت سوسیالیستی اعلام شد. دولت نظامی هایلا ماریام با کمک اتحاد جماهیر شوروی و کوبا اصلاحات کشاورزی را تحقق بخشید، و آموزش و بهداشت عمومی را رایگان اعلام کرد، و سپس به مسائل حقوق زنان و اقلیت های قومی پرداخت. منابع کشور مثل طلا، گاز طبیعی، تانتال و سنگ مرمر سرانجام می توانست برای صاحبان اصلی و قانونی آن کارساز باشد. اشتباهات دولت، خشکسالی شدید سال های ۸۰ که صدها هزار نفر را به کشتن داد، تحریکات ایالات متحده را نیز باید یادآوری کنیم که از اریتره شورشیان را مسلح می کرد که کمک های بین المللی برای قحطی زدگان و گرسنگان را برای خرید اسلحه منحرف به کار می گرفتند. چنین وضعیتی موجب اختلال در پیشرفت اتیوپی شد و سرانجام این کشور با فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی کاملاً فلج شد. وضعیتی مشابه افغانستان پیش آمد که ۶ میلیون نفر طی سه دهه گذشته مهاجرت کردند.

سرانجام واشینگتن بر این کشور و وضعیت ممتاز جغرافیائی ستراتژیک آن تسلط یافت. امروز با وجود اقتصاد ورشکسته و نیم میلیون کودک که در خطر مرگ فوری قرار گرفته اند، دولت ۱۰۰ میلیون دالر برای خرید ۲۰۰ تانک از اوکراین اختصاص داده است.

- ابراهیم یک آرشیکتک لیبیائی بود. او همسر و فرزندانش را ترک کرد تا از همان راهی که منابع کشورش را به ایتالیا منتقل می کرد، عبور کند. طرح او این بود که در ایتالیا مستقر شود و سپس با تکیه به قانون «گروه خانواده» همسر و فرزندانش را نیز منتقل کند. وضعیت لیبیا پس از قتل قذافی در هرج و مرج غرق شده و قول و قرار ناتو برای دموکراسی اساساً وجود خارجی ندارد. این همان اتحادیه نظامی است که با بمباران شهروندان لیبیائی و تخریب زیر بناهای کشور و قتل دهها هزار انسان می خواست با پول همین مردم کشور را بازسازی کند.

ولی ابراهیم در محاسباتش اشتباه کرده بود، او تصور می کرد که دولت های غربی به ازای خشونت شرم آوری که لیبیا تحمیل کرده است، از شهروندان لیبیائی در اروپا با آغوش باز استقبال خواهند کرد. در بانک های ایتالیائی ۶۵۰۰۰ میلیون دلار پول نقد به حساب لیبیا سپرده شده بوده است. خزانه عمومی پاریس به سهم خودش در مورد کمک های قذافی در سال ۲۰۰۷ برای انتخابات سرکوزی تحقیقاتی را آغاز کرده است. این بازی های بی شرمانه ابعاد غیر تصویری به خود گرفته است: سپس سرکوزی با تبنائی شورای ملی موقت براندازی قذافی را به ازای ۳۵ درصد مشارکت شرکت های فرانسوی در معاملات نفتی سازماندهی کرد.

در حال حاضر، نبود دولت، مبارزه بی امان بین گروه های مسلح برای کسب تسلط بر بزرگترین ذخیره نفتی افریقا (دو برابر ذخیره نفتی ایالات متحده) و اعتصاب پاره وقتی کارگران نفت نیز اقتصاد کشور را فلج کرد. سقوط دولت لیبیا و تولید اندک صنایع نفتی از جمله انگیزه هائی است که مانع شرکت اروپائیان در جنگ ایالات متحده علیه سوریه می شود.

سیاست تضعیف

محکوم کردن کشورهای ثروتمند به عقب ماندگی یکی از سترانتری های سیاسی است که با تبنائی الیگارش و رژیم های محلی لابی مسلک که در مذاکرات و معاملات از هر نوعی شرکت دارند، تحقق می پذیرد. و این جوهر اصلی نسخه هائی است که نهادهای مالی تجویز می کنند تا چنین دولت هائی ساختارهای خودشان را با آن تنظیم کرده و منابع طبیعی را نیز به بخش خصوصی واگذار کنند (مانند جنگل تانزانیا). با چنین ساز و کارهائی زمینه را برای سرمایه گذاری های خارجی آماده می سازند. بخشی از پول های نقد بانک های غربی (به عنوان مثال، بانک اعتبارات تجارت بین المللی) از راه چاقاق سنگ های قیمتی، مواد مخدر و اسلحه به صندوق هایشان سرازیر می شود، یعنی در افریقائی که پول در داخل و در خارج آن جریان دارد ولی چیزی برای توسعه باقی نمی ماند. در کشتی تخیلی ما از اهالی مالی نیز دیده می شدند، کشوری که توسط ناتو اشغال شده، یعنی سرزمین نفت، طلا و اورانیوم، یعنی کشوری که شاخص امید به زندگی تنها ۳۸ سال است، یا نیجریه هفتمین تولید کننده نفت در سطح جهانی...

این همان داستان قدیمی عراقی ها است که وقتی مورد تهاجم ایالات متحده و هم پیمانانش قرار گرفتند، حدود ۵ میلیون نفر از اهالی بابل قدیمی به کشورهای همسایه پناهنده شدند، یعنی کشورهائی که در انتظار جنگ های دیگری بودند مانند سوریه و می بایستی به نوبت خود بار و بندیشان را ببندند و به ناکجای دیگری بروند. سال ۲۰۱۲ بیش از ۲۳۰ میلیون نفر مهاجرت کرده اند. هیچ نظارت هوائی، و نه حتی به توپ بستن کشتی ها به شکلی که اوپرتو بوسی پیشنهاد کرده است نمی تواند از این موج عظیم انسانی که از شرایط زیست ناپذیر کشور هایشان می گریزند جلوگیری کند.

بیوند زدن مهاجرت و بزهکاری نیز دیگر عمل نمی کند و کار ساز نخواهد بود. نیمکت متهمان را در اسپانیا نگاه کنیم! وقت آن رسیده است که شهروندان اسپانیایی در نگاهشان نسبت به مهاجران تحول ایجاد کنند، مهاجرانی که صاحب فرزند شده اند و با وجود دو دیپلم دانشگاهی در خانه های پر جمعیت لندن و برلن زندگی می کنند و توالی تمیز می کنند. با این وجود، اسپانیا از آغاز سال ۲۰۱۳ تعداد ۶۰۵۶ مهاجر را اخراج کرده و اکنون یک ناخدای کشتی یا کامیون را بازداشت کرده تا توجه عمومی را از قاچاقچیان اصلی انسان منحرف سازد. یا شاید برای آن که هیچ کس در ابتکار عمل برجسته تردیدی به خود راه ندهد، به دولت هائی مانند سنگال پول پردازد تا با زیر پا گذاشتن قوانین بین المللی بازگشت پناهندگان بازداشت شده را بپذیرد. ولی آنچه را که به ما نمی گویند، این است که مقامات بزهکار همین کشور جواز ماهیگیری ویژه برای شرکت های خارجی صادر کرده است، و مالیات را برای اهالی بومی بالا برده و بر این اساس آنها را مجبور ساخته است که به اسپانیا بروند.

از افریقا طلا، کولتان، هیدروکربور و مواد معدنی دیگر را استخراج کرده و می برند، و در ازای آن هواپیماهای باربری محموله های اسلحه پیاده و مبلغ پیاده می کنند تا عموم مردم را به صبر و شکیبائی و امید به زندگی بهتر در «جهان دیگر» دعوت کنند.

منبع :

<http://www.michelcollon.info/Qui-est-responsable-du-nauffrage-de.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۳ اکتوبر ۲۰۱۳

سایت انوستیگاسیون به مدیریت میشل کولن

۱۰ اکتوبر ۲۰۱۳

INVESTIG'ACTION